



Challenges of Contemporary *Fiqh* in Utilizing the *Quran* for Deriving Rulings on New Issues and Solutions

Alimohammad Heidar Sarlak  

Ph.D. in Jurisprudence, Assistant Professor of Islamic Studies, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran dr.heidarsarlak@goums.ac.ir; <https://orcid.org/0000-0002-3633-9108>

Article Info

Article Type:

Research Article

Article History:

Received 06 September 2024

Received in revised form 29 January 2025

Accepted 30 January 2025

Keywords:

authority of the Quran
contemporary jurisprudence
emerging issues
pathology,
derivation of rulings,
interdisciplinary
research

ABSTRACT

The scientific authority of the *Quran* in deducing jurisprudential rulings, especially in dealing with emerging issues and challenges of the contemporary world, is one of the important and challenging topics in the field of jurisprudence and Quranic studies. This research aims to analyze the position of the Quran in contemporary jurisprudence and examine the challenges facing jurists in referring to Quranic verses for deducing rulings on emerging issues. The main problem of this research is to identify the obstacles and limitations of using the Quran in responding to new jurisprudential issues and to provide solutions to overcome these challenges.

This study, using a descriptive-analytical method and library resources, examines different perspectives on the scientific authority of the Quran in contemporary jurisprudence. The present research, while providing a precise conceptualization, analyzes the hermeneutical, linguistic, historical, and methodological challenges in applying Quranic verses to deduce rulings on emerging issues. Additionally, various jurisprudential approaches in this field have been critically examined. The results of this research show that the major challenges in this area include apparent conflicts between some verses and new

Cite this article:

Heidar Sarlak A. (2025) Challenges of Contemporary *Fiqh* in Utilizing the *Quran* for Deriving Rulings on New Issues and Solutions; *Journal of Islamic Law and Jurisprudence*; 37(4); 135-166. 



© The Author(s).

Publisher: Islamic Propagation Office of Qom Seminary- Khorāsān-e-Razavi Branch. DOI: <https://doi.org/10.22034/jrj.2024.69186.2824>

scientific findings, linguistic and historical limitations in interpreting verses, and differences in methods of deducing rulings from the Quran for emerging issues. This study, while analyzing existing approaches, presents a comprehensive model for utilizing the Quran in deducing rulings on emerging issues. The proposed solutions include revising methods of interpretation and understanding of verses, integrating traditional and innovative approaches, and providing a coherent framework for using the Quran in responding to contemporary jurisprudential challenges. This research emphasizes the necessity of reforming and improving teaching and research methods in the field of jurisprudence and Quranic interpretation and suggests new areas for future research in this field.



**Journal of
Islamic Law and
Jurisprudence**

Vol.10, No.37
2025

136

چالش‌های فقه معاصر در بهره‌گیری از قرآن برای استنباط مسائل مستحدثه و راهکارهای حل آن^۱

علی محمد حیدر سرلک  ID

دانش آموخته مقطع دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی و استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان. گرگان : dr.heidarsarlak@goums.ac.ir ؛ 9108-3633-0002-0000/orcid.org/https://



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

چالش‌های فقه معاصر
در بهره‌گیری از قرآن
برای استنباط مسائل
مستحدثه و راهکارهای
حل آن
۱۳۷

چکیده

مرجعیت علمی قرآن در استنباط احکام فقهی، به‌ویژه در مواجهه با مسائل مستحدثه و چالش‌های دنیای معاصر، از مباحث مهم و چالشی در حوزه فقه و مطالعات قرآنی به شمار می‌آید. این پژوهش با هدف شناسایی چالش‌های فقه معاصر در بهره‌گیری از قرآن برای استنباط مسائل مستحدثه و ارائه راهکارهایی برای حل آن‌ها انجام شده است. مسئله اصلی این تحقیق شناسایی موانع و محدودیت‌های استفاده از قرآن در پاسخگویی به مسائل فقهی جدید و ارائه راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها است.

این مطالعه با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، به بررسی دیدگاه‌های مختلف در زمینه مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر پرداخته است. پژوهش حاضر، علاوه

۱. حیدر سرلک، علیمحمد (۱۴۰۳). چالش‌های فقه معاصر در بهره‌گیری از قرآن برای استنباط مسائل مستحدثه و راهکارهای حل آن. جستارهای فقهی و اصولی، ۱۰: ۳۷ (۴). صص: ۱۳۵-۱۶۶.



 <https://doi.org/10.22034/jrj.2024.69186.2824>

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی © نویسندگان

بر مفهوم‌شناسی دقیق، به تحلیل چالش‌های هرمنوتیکی، زبانی، تاریخی و روش‌شناختی در کاربرد آیات قرآنی برای استنباط احکام مسائل مستحدثه می‌پردازد. همچنین، رویکردهای فقهی مختلف در این زمینه نقد و بررسی شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌های عمده در این حوزه شامل تعارض ظاهری برخی آیات با یافته‌های علمی جدید، محدودیت‌های زبانی و تاریخی در تفسیر آیات و اختلاف در روش‌های استنباط احکام از قرآن برای مسائل نوظهور است. این مطالعه، ضمن آسیب‌شناسی رویکردهای موجود، مدلی جامع برای بهره‌گیری از قرآن در استنباط احکام مسائل مستحدثه ارائه می‌دهد. راهکارهای پیشنهادی شامل بازنگری در روش‌های تفسیر و فهم آیات، تلفیق رویکردهای سنتی و نوگرایانه و ارائه چارچوبی منسجم برای استفاده از قرآن در پاسخگویی به چالش‌های فقهی معاصر است. این پژوهش بر ضرورت اصلاح و بهبود روش‌های آموزش و پژوهش در حوزه فقه و تفسیر قرآن تأکید کرده و زمینه‌های جدیدی را برای تحقیقات آتی در این حوزه پیشنهاد می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مرجعیت علمی قرآن، فقه معاصر، مسائل مستحدثه، آسیب‌شناسی، استنباط احکام.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷

۱۴۰۳

۱۳۸

مقدمه

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی و اولیه در استنباط احکام شرعی، همواره مورد توجه فقها و اندیشمندان اسلامی بوده است. با این حال، در دوران معاصر و با ظهور مسائل مستحدثه، چالش‌های جدیدی در زمینه استفاده از قرآن برای پاسخگویی به این مسائل پدید آمده است. به گفته محقق داماد: «پیچیدگی‌های زندگی مدرن و ظهور فناوری‌های نوین، فقه اسلامی را با چالش‌های جدی در استنباط احکام مواجه کرده است» (محقق داماد، ۱۳۹۸، ۴۵). این مسئله اهمیت بازنگری در جایگاه و نقش قرآن در فقه معاصر را دوچندان می‌کند. شهید مطهری نیز معتقدند: «عدم توجه کافی به ظرفیت‌های قرآن در پاسخگویی به مسائل جدید، می‌تواند به تدریج منجر به کاهش مرجعیت علمی قرآن در جامعه اسلامی شود» (مطهری، ۱۳۸۵، ۱۱۲). این هشدار ضرورت پرداختن به آسیب‌شناسی مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر را نشان می‌دهد.

تحقیقات متعددی در زمینه جایگاه قرآن در فقه معاصر انجام شده است. به عنوان مثال، رضایی اصفهانی در پژوهشی با عنوان «قرآن و چالش‌های فقهی عصر حاضر» به بررسی راهکارهای استفاده از قرآن در حل مسائل نوپدید پرداخته است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۷، ۷۸-۹۵). همچنین، علیدوست در کتاب «فقه و عرف» به نقش تفسیر پویا از قرآن در پاسخگویی به نیازهای فقهی جامعه معاصر اشاره کرده است (علیدوست، ۱۳۹۶، ۲۲۰-۲۰۳).

در زمینه آسیب‌شناسی، پرمی در مقاله‌ای با عنوان «هرمنوتیک و تأثیر آن بر فهم متون دینی» به برخی موانع موجود در بهره‌گیری مؤثر از قرآن در فقه معاصر پرداخته است (پرمی، ۱۳۸۸، ۱۰۱-۶۷).

هرچند تحقیقات مذکور به جنبه‌های مختلفی از ارتباط قرآن و فقه معاصر پرداخته‌اند؛ اما هنوز پژوهش جامع و متمرکزی در زمینه آسیب‌شناسی مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر، به‌ویژه در رابطه با مسائل مستحدثه (نوظهور)، انجام نشده است. از این رو، ضرورت انجام پژوهشی که به‌طور خاص به شناسایی و تحلیل آسیب‌ها و چالش‌های موجود در استفاده از قرآن به عنوان یک مرجع علمی در فقه معاصر بپردازد، احساس می‌شود. چنین پژوهشی باید به‌ویژه بر مسائل نوظهور و جدید در فقه تمرکز کند و شامل موضوعاتی چون فناوری‌های جدید، مسائل پزشکی مدرن، چالش‌های زیست‌محیطی و دیگر موضوعات مرتبط با زندگی معاصر باشد.

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تحلیل آسیب‌های موجود در زمینه مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر، به‌ویژه در مواجهه با مسائل مستحدثه است. در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

• مهم‌ترین چالش‌های موجود در استفاده از قرآن برای استنباط احکام مسائل مستحدثه کدام هستند؟

• چه عواملی منجر به کاهش مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر شده است؟

• راهکارهای مؤثر برای احیای جایگاه قرآن در استنباط احکام فقهی مسائل

نوپدید چیست؟

چالش‌های فقه معاصر
در بهره‌گیری از قرآن
برای استنباط مسائل
مستحدثه و راهکارهای
حل آن
۱۳۹

در پاسخ به این سؤالات، این تحقیق با معرفی چارچوبی تحلیلی به بررسی جامع چالش‌های مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر می‌پردازد. همچنین ضمن شناسایی و طبقه‌بندی آسیب‌های کلیدی در استفاده از قرآن برای استنباط احکام فقهی مسائل نوظهور، تحلیلی تطبیقی از رویکردهای سنتی و مدرن در تفسیر و کاربرد آیات قرآنی ارائه می‌دهد. این پژوهش با پیشنهاد راهکارهای نوآورانه برای تقویت جایگاه قرآن در پاسخگویی به چالش‌های فقهی معاصر، روش‌شناسی جدیدی را برای تلفیق علوم قرآنی با علوم روز در استنباط احکام فقهی معرفی می‌کند. همچنین، مدلی برای بازنگری در شیوه‌های تفسیری و استنباطی از قرآن، متناسب با نیازهای جامعه معاصر، ارائه می‌دهد. این نوآوری‌ها می‌تواند به ارتقای کارآمدی فقه اسلامی در مواجهه با مسائل نوظهور کمک کرده و زمینه را برای پویایی بیشتر در استنباط احکام فقهی از قرآن فراهم آورد.

۱. مبانی نظری و مفهومی

۱/۱. تعریف مفاهیم کلیدی

مرجعیت علمی: مرجعیت علمی قرآن به این معناست که قرآن به‌عنوان منبع اصلی و معتبر دانش در جهان‌بینی اسلامی شناخته می‌شود و حاوی حقایق علمی و معرفتی است که می‌تواند راهنمای پژوهش‌های علمی و فهم جهان باشد (نصر، ۲۰۰۶، ص ۷۶). از این رو، مرجعیت علمی قرآن شامل جنبه‌های مختلفی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مرجعیت در علوم دینی است. این به معنای آن است که قرآن منبع اصلی برای استنباط احکام شرعی و اصول اعتقادی به شمار می‌آید (کمالی، ۲۰۰۳، ص ۲۳).

فقه معاصر: فقه معاصر به شاخه‌ای از علم فقه اطلاق می‌شود که به بررسی و استنباط احکام شرعی برای مسائل و موضوعات جدید در دنیای معاصر می‌پردازد. این رویکرد فقهی تلاش می‌کند تا با استفاده از اصول و قواعد فقهی سنتی، پاسخ‌های مناسب و کاربردی برای چالش‌های نوظهور در زندگی مدرن مسلمانان ارائه دهد. فقه معاصر شامل موضوعاتی همچون مسائل پزشکی جدید، معاملات

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷
۱۴۰۳

۱۴۰

مالی مدرن، فناوری‌های نوین و مسائل اجتماعی و سیاسی روز است (القرضاوی، ۱۹۹۶م، ۷۲-۶۸).

مسائل مستحدثه: مسائل مستحدثه یا نوپدید به موضوعات و پرسش‌های جدیدی اطلاق می‌شود که در گذشته سابقه نداشته‌اند و به دلیل پیشرفت‌های علمی، فناوری و تغییرات اجتماعی پدید آمده‌اند. قرضاوی مسائل مستحدثه را به‌عنوان چالش‌های فقهی ناشی از تحولات عصر حاضر معرفی می‌کند که نیازمند اجتهاد جدید هستند (القرضاوی، ۱۹۹۶م، ۱۰۶-۱۰۱).

۱/۲. جایگاه قرآن در استنباط احکام فقهی

قرآن کریم به‌عنوان اولین و مهم‌ترین منبع استنباط احکام فقهی در اسلام شناخته می‌شود. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان قرآن را اساس و محور تمام معارف اسلامی، از جمله فقه، می‌داند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۲/۱). با رجوع به منابع اصولی (آخوند خراسانی، ۱۴۳۰ق، ۲/۲۹۴؛ غزالی، ۱۹۹۳م، ۸۰)، جایگاه قرآن در استنباط احکام فقهی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- منبع اصلی و اولیه احکام شرعی، به اتفاق فقهای شیعه و سنی
- معیار سنجش صحت روایات و احادیث
- ارائه‌دهنده اصول کلی و مقاصد شریعت
- مبنای فهم و تفسیر سایر منابع فقهی

با این وجود، شهید صدر معتقد است که در فقه معاصر، گاهی جایگاه قرآن در استنباط احکام کم‌رنگ شده و توجه بیشتری به روایات و اجماع معطوف شده است (صدر، ۱۹۷۹م، ۸۹).

۱/۳. رویکردهای مختلف فقهی در شیوه استفاده از قرآن در مسائل مستحدثه

رویکردهای متنوع فقهی تأثیر عمیق و چندوجهی بر نحوه استفاده از قرآن در مواجهه با مسائل مستحدثه دارند. این رویکردها که ریشه در سنت‌های فکری مختلف اسلامی دارند، چارچوب‌های متفاوتی برای تفسیر و استنباط احکام از آیات قرآن ارائه می‌دهند. در ادامه، به بررسی تفصیلی تأثیر برخی از مهم‌ترین این رویکردها خواهیم پرداخت.

۱/۳/۱. رویکرد مبتنی بر منابع اولیه و سنت‌ها

این رویکرد در استفاده از قرآن برای مسائل مستحدثه، یکی از پایدارترین و تأثیرگذارترین رویکردها در تاریخ تفسیر قرآن و فقه اسلامی است. این رویکرد که ریشه در سنت‌های تفسیری سلف دارد، بر حفظ و تداوم روش‌های سنتی تفسیر قرآن و استنباط احکام تأکید می‌کند. برنارد وایس، پژوهشگر برجسته مطالعات تطبیقی ادیان، در کتاب خود با عنوان «جستجوی متن مقدس»، استدلال می‌کند که این رویکرد بر اساس باور به این نکته بنا شده که قرآن و سنت پیامبر ﷺ حاوی تمام اصول و قواعد لازم برای هدایت مسلمانان در تمام اعصار هستند. این دیدگاه که توسط مشهور فقهای مسلمان اعم از شیعه و سنی نمایندگی می‌شود، بر اهمیت پایبندی به اصول و قواعد تفسیری سنتی و اجتناب از نوآوری‌های بی‌پایه در دین تأکید دارد (وایس، ۱۹۹۸م، ۲۴).

یکی از ویژگی‌های اصلی این رویکرد، تأکید بر اهمیت زبان عربی فصیح و علوم مرتبط با آن در فهم قرآن است. جان‌اتان براون در مطالعه خود درباره حدیث و سنت اسلامی نشان می‌دهد که چگونه این تأکید بر زبان و سیاق تاریخی، به حفظ پیوستگی تفسیری در طول قرن‌ها کمک کرده است (براون، ۲۰۰۹م، ۱۹۸). این رویکرد همچنین بر اهمیت شهرت و اجماع فقهی تأکید دارد و یکی از نقاط قوت آن، توانایی‌اش در حفظ پیوستگی با سنت تفسیری اسلامی است. این امر، همان‌طور که طلال اسد در مطالعات خود درباره سنت اسلامی نشان داده، به حفظ هویت و انسجام جوامع اسلامی در طول تاریخ کمک کرده است. علاوه بر این، این رویکرد ثبات و اطمینان خاطر به جامعه مسلمانان می‌دهد که در دوران تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند بسیار ارزشمند باشد (اسد، ۱۹۸۶م، ۱۵).

با این حال، این رویکرد با چالش‌هایی نیز مواجهه است. خالد ابوالفضل، رئیس برنامه مطالعات اسلامی در دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس و دانشگاه UCLA در نقد خود بر اقتدارگرایی در تفسیر اسلامی استدلال می‌کند که رویکرد سنتی ممکن است در مواجهه با چالش‌های پیچیده معاصر ناکارآمد باشد (ابوالفضل، ۲۰۰۱م، ۱۴۵). به عنوان مثال، مسائلی مانند پیشرفت‌های پزشکی در زمینه باروری یا چالش‌های اخلاقی ناشی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷

۱۴۰۳

۱۴۲

از هوش مصنوعی ممکن است نیازمند تفسیرهای جدیدتری از نصوص دینی باشند. علاوه بر این، انعطاف‌پذیری محدود این رویکرد در مواجهه با مسائل مستحدث و کاملاً جدید می‌تواند مشکل‌ساز باشد. میرحسینی در مطالعات خود درباره جنسیت و اسلام نشان می‌دهد که چگونه تفاسیر سنتی ممکن است با مفاهیم مدرن حقوق بشر و برابری جنسیتی در تعارض قرار گیرند (میرحسینی، ۱۹۹۹م، ۲۵).

با وجود این چالش‌ها، رویکرد مبتنی بر منابع اولیه و سنت‌ها همچنان نفوذ قابل توجهی در جهان اسلام دارد. عبدالله سعید، مدیر مرکز و استاد کرسی مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه ملبورن، در کتاب خود با عنوان «تفسیر قرآن: به سوی رویکردی معاصر» استدلال می‌کند که این رویکرد به دلیل ریشه‌های عمیق تاریخی و فرهنگی‌اش، همچنان برای بسیاری از مسلمانان جذاب است (سعید، ۲۰۰۶م، ۱۵۲). در نهایت، درک نقاط قوت و ضعف رویکرد مبتنی بر منابع اولیه و سنت‌ها برای هرگونه بحث جدی درباره تفسیر قرآن و کاربرد آن در مسائل معاصر ضروری است. این رویکرد، علی‌رغم چالش‌هایش، همچنان نقش مهمی در شکل‌دهی به گفتمان دینی و فقهی معاصر در جهان اسلام ایفا می‌کند.

۲/۳/۱. رویکرد مقاصدی-تاریخی در استنباط احکام

این رویکرد در تفسیر قرآن و استنباط احکام، یکی از سبک‌های اجتهادی مهمی است که در واکنش به چالش‌های مدرنیته و تغییرات اجتماعی - فرهنگی در جهان اسلام شکل گرفته است. متفکرانی چون فضل الرحمن، محمد ارکون و نصر حامد ابوزید از جمله نمایندگان برجسته این جریان هستند که بر ضرورت بازنگری اساسی در روش‌های تفسیر قرآن و استنباط احکام تأکید دارند.

فضل الرحمن، متفکر نواندیش پاکستانی، معتقد است که برای درک صحیح پیام قرآن، باید آن را در بستر تاریخی و اجتماعی نزول آن بررسی کرد و سپس اصول کلی استخراج‌شده را در شرایط معاصر به کار بست (رحمان، ۱۹۸۰م، ۲۳-۱۵). این روش که به «تفسیر دو مرحله‌ای» معروف شده است، تلاشی برای ایجاد پیوند میان متن تاریخی قرآن و نیازهای جامعه معاصر به شمار می‌رود.

محمد ارکون، متفکر الجزایری - فرانسوی، با طرح مفهوم «نقد عقل اسلامی»،

خواستار بازنگری در مفروضات بنیادین تفکر اسلامی و گشودن درهای اجتهاد به روی روش‌های مدرن علوم انسانی شد. او استدلال می‌کرد که برای درک عمیق‌تر قرآن، باید از رویکردهای زبان‌شناسی، انسان‌شناسی و تاریخ‌نگاری مدرن بهره برد (آزکون، ۱۹۹۴م، ۳۵-۳۱).

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت رویکرد مقاصدی - تاریخی، انعطاف‌پذیری بالای آن در مواجهه با مسائل جدید است. امینه ودود، متفکر و نواندیش معاصر آمریکایی، با ارائه تفسیری فمینیستی از قرآن، نشان داد که این رویکرد چگونه می‌تواند به بازنگری در موضوعاتی چون حقوق زنان در اسلام منجر شود (ودود، ۱۹۹۹م، ۳۴-۲۷). با این حال، این رویکرد با چالش‌هایی نیز روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین انتقادات، خطر گسست از سنت تفسیری اسلامی است. وائل حلاق، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه کلمبیا، در کتاب تاریخچه نظریه‌های حقوقی اسلامی هشدار می‌دهد که نادیده گرفتن سنت تفسیری می‌تواند به تضعیف غنای فکری و معنوی تفکر اسلامی منجر شود (حلاق، ۱۹۹۷م، ۲۳۵-۲۳۱).

علاوه بر این، احتمال تفسیر به رأی و تحمیل دیدگاه‌های شخصی بر متن قرآن نیز از دیگر نگرانی‌های مطرح‌شده درباره این رویکرد است. خالد ابوالفضل در کتاب «سخن گفتن به نام خدا» استدلال می‌کند که حتی در رویکردهای نوگرایانه، باید از سوءاستفاده از نصوص دینی برای توجیه دیدگاه‌های شخصی پرهیز کرد (ابوالفضل، ۲۰۰۱م، ۴۰-۳۴).

با وجود این چالش‌ها، رویکرد مقاصدی - تاریخی همچنان یکی از جریان‌های مهم فکری در اسلام معاصر محسوب می‌شود. این رویکرد، با تأکید بر ضرورت بازاندیشی در روش‌های تفسیر قرآن و استنباط احکام، می‌کوشد پاسخ‌هایی کارآمد برای چالش‌های دنیای مدرن ارائه دهد (موسی، ۲۰۰۳م، ۱۱۵-۱۱۱).

۳/۱. رویکرد مقاصدی - اجتهادی در پاسخ به چالش‌های معاصر

رویکرد مقاصدی - اجتهادی در تفسیر قرآن و استنباط احکام، تلاشی برای ایجاد تعادل میان حفظ اصول سنت اسلامی و پاسخگویی به نیازهای مستحدثه در جامعه معاصر است. این رویکرد که اندیشمندانی چون سید محمدحسین فضل‌الله،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷
۱۴۰۳

۱۴۴

شیخ محمد مهدی شمس الدین، یوسف قرضاوی و محمد الغزالی از جمله نمایندگان آن به شمار می‌روند، بر اجتهاد پویا و توجه به مقاصد شریعت تأکید دارد (اسپوزیتو و مجاهد، ۲۰۰۷م، ۵۰-۴۵).

یوسف قرضاوی بر این باور است که اجتهاد باید با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی انجام شود؛ اما همچنان در چارچوب اصول اساسی اسلام باقی بماند (القرضاوی، ۱۹۹۶م، ۲۵-۲۰). این دیدگاه که جان اسپوزیتو از آن با عنوان «نو-اجتهاد» یاد می‌کند، تلاشی برای احیای سنت اجتهاد با توجه به مقتضیات دنیای معاصر است (اسپوزیتو، ۲۰۱۰م، ۹۴).

محمد الغزالی، متفکر مصری، با تأکید بر اهمیت فهم مقاصد شریعت معتقد بود که تفسیر قرآن باید با در نظر گرفتن اهداف کلی اسلام انجام شود. او در کتاب «کیف نتعامل مع القرآن» بر ضرورت درک جامع قرآن و پیوند آن با واقعیت‌های زندگی معاصر تأکید می‌کند (الغزالی، ۲۰۰۵م، ۲۰-۱۵).

علامه سید محمد حسین فضل الله نیز در همین راستا معتقد است:

«اجتهاد پیشینیان بر پایه فرهنگ آنان شکل گرفته بود و می‌دانیم که همان پیشینیان، به دلیل تفاوت‌های فرهنگی میان خودشان، دیدگاه‌های گوناگونی داشتند؛ بنابراین، ما نیز می‌توانیم با حفظ پیوند با سنت، خوانشی متفاوت از متون دینی داشته باشیم و برخلاف گذشتگان، به بازخوانی این متون پردازیم، در عین حال که فهم آنان را نیز برای تعمیق درک خود مدنظر قرار می‌دهیم.» (فضل الله، ۱۴۲۶ق، ۹۶).

آیت الله محمد مهدی شمس الدین نیز در بررسی جواز یا عدم جواز تصدی مناصب عمومی توسط زنان در چارچوب فقه اسلامی، با استناد به ادله فقهی، نتیجه می‌گیرد که اجماع فقها بر عدم جواز این تصدی، فاقد پشتوانه استدلالی معتبر است. وی در این بررسی، بر ضرورت بازنگری در برخی از مسلمات فقهی و بازخوانی ادله مربوطه با نگاهی جدید، به دور از پیش فرض‌های تاریخی تأکید دارد (شمس الدین، ۱۹۹۵م، ۶).

یکی از نقاط قوت اصلی رویکرد مقاصدی - اجتهادی، توانایی آن در ایجاد تعادل میان سنت و نوآوری است. این رویکرد از یک سو به حفظ اصالت اسلامی

کمک می‌کند و از سوی دیگر، امکان پاسخگویی به نیازهای معاصر را فراهم می‌آورد (ابوالفضل، ۲۰۰۱م، ۹۶-۱۰۲). علاوه بر این، ظرفیت ارائه راه‌حل برای بسیاری از مسائل جدید و چالش‌برانگیز، از جمله حقوق بشر، دموکراسی و برابری جنسیتی را نیز دارد (سعید، ۲۰۰۶م، ۱۵۵-۱۵۰).

با این حال، این رویکرد با چالش‌هایی نیز روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تعیین حد دقیق میان سنت و نوآوری است. وائل حلاق در تحلیل خود تأکید می‌کند که تنش میان این دو عنصر، همواره یکی از مسائل اساسی در فقه اسلامی بوده است (حلاق، ۱۹۹۷م، ۲۰۹). علاوه بر این، همان‌طور که میرحسینی اشاره می‌کند، این رویکرد ممکن است با مخالفت‌های جدی از سوی دو جریان متقابل مواجه شود: از یک سو، فقهای سنت‌گرا که آن را پیش از حد نوآورانه می‌دانند و از سوی دیگر، نوگرایان افراطی که آن را ناکافی تلقی می‌کنند (میرحسینی، ۱۹۹۹م، ۱۱۴). این دوگانگی، می‌تواند پذیرش گسترده این رویکرد در جوامع اسلامی را با چالش مواجه سازد. با وجود این چالش‌ها، رویکرد مقاصدی - اجتهادی همچنان به‌عنوان یکی از جریان‌های تأثیرگذار در اسلام معاصر مطرح است. این رویکرد با تلاش برای ایجاد پلی میان سنت اسلامی و نیازهای جامعه معاصر، نقش مهمی در شکل‌دهی به گفتمان اجتهادی معاصر ایفا می‌کند. همان‌طور که ابراهیم موسی استدلال می‌کند، این رویکرد می‌تواند راهی برای حفظ ارتباط اسلام با دنیای مدرن، همزمان با حفظ هویت و اصالت اسلامی باشد (موسی، ۲۰۰۳م، ۱۱۷).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷
۱۴۰۳

۱۴۶

۲. یافته‌ها

۲/۱. چالش‌های مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر

مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که استنباط احکام برای مسائل مستحدثه را پیچیده می‌سازد. در این بخش، به بررسی دقیق این چالش‌ها خواهیم پرداخت.

۲/۱/۱. چالش‌های هرمنوتیکی در تفسیر آیات مرتبط با مسائل مستحدثه

هرمنوتیک در لغت به معنای تفسیر کردن و در اصطلاح به دانش و روش فهم

و تفسیر متون اطلاق می‌شود (پالمر، ۱۹۶۹م، ۴۵). هرمنوتیک، به عنوان علم تفسیر متون، نقش حیاتی در فهم و تفسیر آیات قرآنی ایفا می‌کند. در مواجهه با مسائل مستحدثه، چالش‌های هرمنوتیکی متعددی ظهور می‌کنند که استنباط احکام فقهی را با پیچیدگی‌های خاص خود روبه‌رو می‌سازد. این چالش‌ها را می‌توان در چند محور اصلی بررسی کرد:

- **تعدد رویکردهای تفسیری:** هانس - گئورگ گادامر، فیلسوف برجسته هرمنوتیک، بر نقش پیش‌فهم‌ها و افق معنایی مفسر در فرآیند تفسیر تأکید می‌کند (گادامر، ۲۰۰۴م، ۲۶۸). در حوزه تفسیر قرآن، این امر منجر به شکل‌گیری رویکردهای مختلفی از سنتی تا مدرن شده است. رویکرد سنتی که عمدتاً بر تفاسیر سلف و روایات تکیه دارد، در مواجهه با مسائل نوظهور با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. از سوی دیگر، رویکردهای مدرن که سعی دارند آیات را با توجه به شرایط معاصر بازخوانی کنند، گاه با خطر دور شدن از اصول اساسی تفسیر قرآنی مواجه می‌شوند. پل ریکور، فیلسوف فرانسوی، بر لزوم ایجاد تعادل میان «وفاداری به متن» و «خلاقیت در تفسیر» تأکید می‌کند (ریکور، ۱۹۷۶م، ۷۸). این تعادل در تفسیر آیات مرتبط با مسائل مستحدثه، چالشی جدی است.

- **مسئله فاصله تاریخی:** فردریش شلایرماخر، پدر هرمنوتیک مدرن، بر اهمیت درک زمینه تاریخی متن در فرآیند تفسیر تأکید می‌کند (شلایرماخر، ۱۹۹۸م، ۲۳). فاصله زمانی قابل توجه میان نزول قرآن و مسائل معاصر، چالشی جدی در تفسیر آیات برای مسائل نوظهور ایجاد می‌کند. این فاصله تاریخی نه تنها در سطح زبانی، بلکه در سطح فرهنگی و اجتماعی نیز خود را نشان می‌دهد. مفسر امروزی باید بتواند پل ارتباطی میان افق معنایی عصر نزول و افق معنایی دنیای معاصر ایجاد کند. این امر مستلزم درک عمیق از تاریخ، فرهنگ و زبان عصر نزول و همچنین شناخت دقیق از شرایط و مقتضیات دنیای معاصر است.

- **تعارض ظاهری میان آیات:** گاهی آیات مختلف قرآن به نظر می‌رسد که با یکدیگر در تعارض قرار دارند که این امر استنباط احکام برای مسائل جدید را دشوار می‌سازد. این مسئله در علم اصول فقه تحت عنوان «تعارض ادله»

مورد بحث قرار می گیرد. در مواجهه با مسائل مستحدثه، این چالش پیچیده تر می شود؛ زیرا مفسر باید بتواند میان آیاتی که ظاهراً متعارض هستند، در زمینه ای کاملاً جدید جمع بندی کند. فضل الرحمن - متفکر معاصر مسلمان - رویکرد «تفسیر موضوعی» را پیشنهاد می کند که در آن، آیات مرتبط با یک موضوع خاص در کنار هم قرار گرفته و در یک چارچوب کلی تفسیر می شوند (رحمان، ۱۹۸۰م، ix-xii).

- **چالش زبان شناختی:** لودویگ ویتگنشتاین، فیلسوف زبان، بر اهمیت «بازی های زبانی» در فهم معنا تأکید می کند (ویتگنشتاین، ۱۹۵۸م، ۱۵-۷). در تفسیر قرآن برای مسائل مستحدثه، این چالش به شکلی جدی مطرح است. واژگان و ساختارهای زبانی قرآن متعلق به زمان و مکان خاصی هستند و انتقال معانی آنها به زبان و مفاهیم امروزی مستلزم درک عمیق از هر دو حوزه زبانی است. به عنوان مثال، مفهوم «ربا» در قرآن چگونه می تواند با سیستم های مالی پیچیده امروزی تطبیق یابد؟ این چالش زبان شناختی، مفسر را ملزم می کند که علاوه بر تسلط بر زبان عربی کلاسیک، درک عمیقی از مفاهیم و اصطلاحات تخصصی در حوزه های مختلف علمی و فنی نیز داشته باشد.

- **مسئله معنای ظاهری و باطنی:** در سنت تفسیری اسلام، همواره بحث از معنای ظاهری و باطنی آیات مطرح بوده است. ابن عربی، عارف و متفکر بزرگ اسلامی، بر وجود لایه های متعدد معنایی در قرآن تأکید می کند (جیتیک، ۱۹۸۹م، ۲۰۹). در مواجهه با مسائل مستحدثه، این چالش پررنگ تر می شود. آیا باید به معنای ظاهری آیات اکتفا کرد یا به دنبال معانی عمیق تر و باطنی بود؟ این مسئله به ویژه در مورد آیاتی که به ظاهر با یافته های علمی جدید در تعارض قرار دارند، اهمیت بیشتری پیدا می کند.

در مجموع، چالش های هرمنوتیکی در تفسیر آیات مرتبط با مسائل مستحدثه، مفسران و فقها را با مسائل پیچیده ای مواجه می سازد. برای حل این چالش ها، نیاز به رویکردی جامع و چندبعدی است که ضمن حفظ اصالت و روح پیام قرآنی، قادر به پاسخگویی به نیازها و پرسش های دنیای معاصر باشد.

۲/۱. تعارض ظاهری برخی آیات با یافته‌های علمی جدید:

یکی از چالش‌های جدی در مرجعیت علمی قرآن، تعارض ظاهری برخی آیات با یافته‌های علمی مدرن است. این مسئله در حوزه‌ها و گستره‌های وسیعی از مسائل کیهان‌شناسی و زیست‌شناسی گرفته تا مباحث فلسفی و فقهی مطرح می‌شود. برای درک بهتر این چالش، می‌توان آن را در دو حوزه اصلی مرتبط با فقه بررسی کرد:

- **مسائل پزشکی و بهداشتی:** برخی از احکام فقهی مستنبط از آیات قرآن در زمینه بهداشت و پزشکی، با یافته‌های علم پزشکی مدرن به‌طور ظاهری در تعارض هستند. به‌عنوان مثال، آیاتی که به طهارت و نجاست اشاره دارند، گاهی با درک مدرن از بهداشت و سلامت تطابق نمی‌یابند. عبدالعزیز ساجدینا، متفکر و فقیه معاصر، در کتاب «اخلاق زیست‌پزشکی اسلامی» به این چالش‌ها پرداخته و راه‌هایی برای هماهنگی میان احکام فقهی و یافته‌های علم پزشکی مدرن ارائه می‌دهد (ساجدینا، ۲۰۰۹م، ۴۲-۱۵).

- **مسائل نجومی:** یکی از چالش‌های مهم در حوزه فقه، تعارض ظاهری برخی آیات با یافته‌های نجومی است. به‌عنوان مثال، در آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْآهِلَةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (از تو درباره هلال‌های ماه می‌پرسند، بگو: برای آن است که مردم وقت کارهای خود و زمان حج را بشناسند) (بقره/۱۸۹)، تعارض ظاهری میان رؤیت فیزیکی هلال ماه و محاسبات دقیق نجومی مدرن وجود دارد. اگرچه تولد ماه بر اساس محاسبات دقیق نجومی اتفاق می‌افتد؛ اما برخی از فقها بر این باورند که هلال زمانی صادق است که قابلیت رؤیت عمومی وجود داشته باشد (خویی، ۱۴۱۸ق، ۶۱/۲۲). در مواجهه با این چالش‌ها، رویکردهای متفاوتی از سوی اندیشمندان مسلمان اتخاذ شده است. برخی بر تأویل آیات و تفسیر مجدد آن‌ها در پرتو یافته‌های علمی تأکید دارند، درحالی‌که دیگران معتقدند نباید آیات قرآن را با نظریات علمی که همواره در معرض تغییر و تحول هستند، تطبیق داد. در مجموع، چالش تعارض ظاهری برخی آیات با یافته‌های علمی جدید مستلزم رویکردی جامع و چندبعدی است که ضمن حفظ اصالت و اعتبار قرآن، بتواند به پرسش‌های علمی عصر حاضر پاسخ دهد.

چالش‌های فقه معاصر
در بهره‌گیری از قرآن
برای استنباط مسائل
مستحدثه و راهکارهای
حل آن
۱۴۹

۲/۱/۳. محدودیت‌های زبانی و تاریخی در کاربرد آیات برای مسائل نوظهور:

محدودیت‌های زبانی و تاریخی در کاربرد آیات قرآنی برای مسائل نوظهور، یکی از چالش‌های اساسی در حوزه فقه و تفسیر معاصر به شمار می‌آید. این محدودیت‌ها از جنبه‌های مختلف قابل بررسی هستند:

تحول معنایی واژگان: زبان عربی، مانند هر زبان دیگری، در طول زمان دچار تحولات معنایی شده است. واژگانی که در زمان نزول قرآن معنای خاصی داشته‌اند، ممکن است امروزه معانی متفاوتی پیدا کرده باشند. این امر فهم دقیق مراد آیات را با چالش مواجه می‌سازد. به عنوان مثال، واژه «مال» در آیاتی مانند: ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾ (اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید)، به هر آنچه که از اشیاء و اموال خارجی (فیزیکی) در تملک و اختیار شخص قرار دارد، معنی شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ۴۷۵/۵). از این رو، در شمول آن نسبت به اموال معنوی و غیر فیزیکی تشکیک شده و شاید همین دلیل باشد که فقهای چون امام خمینی؛ اعتباری برای مالکیت فکری قائل نیستند (خمینی، ۱۳۹۲، ۴۰۰/۱۰). تاشیهیکو ایزوتسو، زبان‌شناس و اسلام‌شناس ژاپنی، در کتاب «خدا و انسان در قرآن»، به تفصیل به تحول معنایی واژگان کلیدی قرآن پرداخته و نشان می‌دهد چگونه این تحولات می‌تواند بر فهم ما از آیات تأثیر بگذارد (ایزوتسو، ۱۹۶۴م، ۳۵-۱۷).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷

۱۴۰۳

۱۵۰

ساختارهای زبانی و دستوری: ساختار زبانی و دستوری عربی کلاسیک با زبان‌های معاصر تفاوت‌های قابل توجهی دارد. این تفاوت‌ها گاهی منجر به ابهام در فهم دقیق مراد آیات می‌شود. به عنوان مثال، استفاده از صیغه‌های مختلف فعل در عربی کلاسیک، گاهی معانی ضمنی و دقیقی را منتقل می‌کند که در ترجمه به زبان‌های دیگر از دست می‌رود. محمد عابد الجابری، فیلسوف معاصر مراکشی، در کتاب «فهم القرآن الحکیم»، به این چالش‌های زبانی پرداخته و بر لزوم توجه به ساختارهای زبانی خاص قرآن در فهم و تفسیر آن تأکید می‌کند (الجابری، ۲۰۰۸م، ۲۳/۱-۴۵).

بافت تاریخی و فرهنگی: آیات قرآن در بافت تاریخی و فرهنگی خاصی نازل شده‌اند. درک این بافت برای فهم درست آیات ضروری است؛ اما انتقال این فهم

به زمان حاضر و کاربرد آن برای مسائل نوظهور، چالش برانگیز است. به عنوان مثال، آیات مربوط به برده داری یا جنگ در قرآن، در بافت تاریخی خاصی معنا پیدا می کنند که انطباق آن ها با شرایط امروزی نیازمند تفسیری جدید است. فضل الرحمان در کتاب «اسلام و مدرنیته» بر اهمیت درک بافت تاریخی آیات و استخراج اصول کلی از آن ها برای کاربرد در زمان حاضر تأکید می کند (رحمان، ۱۹۸۲م، ۱۱-۵).

محدودیت واژگان در توصیف مفاهیم جدید: بسیاری از مفاهیم و پدیده های نوظهور در زمان نزول قرآن وجود نداشته اند و به طور طبیعی واژگان خاصی برای توصیف آن ها در قرآن به کار نرفته است. این امر استنباط احکام برای این مسائل را با چالش مواجه می سازد. به عنوان مثال، مسائل مربوط به رحم اجاره ای، اهدای عضو، لقاح مصنوعی، شبیه سازی، تغییر جنسیت، مرگ مغزی و مانند آن ها به طور مستقیم در قرآن مورد اشاره قرار نگرفته اند. طارِق رمضان، متفکر معاصر اسلامی، در کتاب «اصلاح بنیادین: اخلاق اسلامی و رهایی» به این چالش پرداخته و بر لزوم استفاده از اصول کلی قرآنی برای استنباط احکام در مورد مسائل نوظهور تأکید می کند (رمضان، ۲۰۰۸م، ۱۴۴-۱۲۱).

تفاوت در نظام های مفهومی: نظام مفهومی حاکم بر جهان معاصر با نظام مفهومی زمان نزول قرآن تفاوت های اساسی دارد. این تفاوت ها گاه منجر به سوء تفاهم یا تفسیر نادرست آیات می شود. به عنوان مثال، مفهوم «آزادی» در جهان معاصر با آنچه در زمان نزول قرآن از آن برداشت می شد، تفاوت های قابل توجهی دارد. محمد آرکون، متفکر الجزایری، در کتاب «تاریخمندی اندیشه اسلامی» به تفصیل به این موضوع پرداخته و بر لزوم بازخوانی مفاهیم قرآنی در پرتو تحولات تاریخی و فکری تأکید می کند (آرکون، ۲۰۰۲م، ۵۸-۳۵).

در مواجهه با این محدودیت ها، رویکردهای متفاوتی از سوی اندیشمندان مسلمان اتخاذ شده است. برخی بر لزوم بازگشت به فهم سلف و تفاسیر سنتی تأکید دارند، در حالی که دیگران بر ضرورت بازخوانی و تفسیر مجدد آیات در پرتو شرایط معاصر اصرار می ورزند. نصر حامد ابوزید، نواندیش و متفکر مصری، در کتاب «مفهوم النص: دراسة في علوم القرآن»، رویکردی میانه را پیشنهاد می کند که در آن، ضمن

حفظ اصالت متن قرآنی، امکان تفسیر پویا و متناسب با شرایط زمانی و مکانی فراهم می‌شود (أبو زید، ۱۹۹۰م، ۱۱۲-۸۹).

در مجموع، محدودیت‌های زبانی و تاریخی در کاربرد آیات برای مسائل نوظهور، چالشی جدی در حوزه فقه و تفسیر معاصر به شمار می‌رود که نیازمند رویکردی جامع، پویا و در عین حال اصیل است.

۲/۱/۴. چالش‌های روش‌شناختی در استنباط احکام از قرآن برای مسائل جدید:

استنباط احکام از قرآن برای مسائل جدید، با چالش‌های روش‌شناختی متعددی روبرو است. این چالش‌ها ریشه در پیچیدگی‌های ذاتی متن قرآنی، تحولات اجتماعی و فناوری و تنوع رویکردهای تفسیری دارند. در ادامه، به بررسی مهم‌ترین این چالش‌ها پرداخته خواهد شد.

- **تعمیم احکام خاص به موارد مشابه (قیاس):** یکی از روش‌های رایج در استنباط احکام برای مسائل جدید در فقه اهل سنت، استفاده از قیاس است. با این حال، این روش با چالش‌هایی مواجه است. به عنوان مثال، در مورد حکم استفاده از مواد مخدر صنعتی جدید، برخی فقها قیاس را با حکم شراب به کار می‌برند؛ اما سؤال این است که آیا این قیاس صحیح است و تمام جوانب مسئله را در نظر می‌گیرد؟ محمد هاشم کمالی، اصولی معاصر، در کتاب «اصول فقه اسلامی» به تفصیل به چالش‌های استفاده از قیاس در مسائل نوظهور پرداخته و بر لزوم دقت در تشخیص علت حکم تأکید می‌کند (کمالی، ۲۰۰۳م، ۲۹۰-۲۶۴).

- **تعارض ظاهری آیات:** گاهی آیات مختلف قرآن در ظاهر با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند. این مسئله در مواجهه با مسائل جدید پیچیده‌تر می‌شود؛ زیرا مفسر باید بتواند میان آیاتی که ظاهراً متعارض هستند، در زمینه‌ای کاملاً جدید جمع کند. علاوه بر قواعد جمع عرفی در این موارد (زرکشی، ۱۹۷۵م، ۵۰/۲-۴۵)، محمد طاهر بن عاشور، مفسر و فقیه تونس، در تفسیر «التحریر و التئور» روشی را برای حل تعارض ظاهری آیات پیشنهاد می‌کند. طبق این روش، باید به مقاصد کلی شریعت و سیاق آیات توجه ویژه داشت (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ۵۶/۱-۳۴).

جستارهای
فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷
۱۴۰۳

۱۵۲

- **تفسیر به رأی و خطر تحمیل دیدگاه‌های شخصی:** در مواجهه با مسائل جدید، خطر تفسیر به رأی و تحمیل دیدگاه‌های شخصی بر آیات قرآن افزایش می‌یابد. این امر می‌تواند منجر به استنباط‌های نادرست و دور از مقصود اصلی قرآن شود. علاوه بر وجود روایات متعدد در شیعه که حرمت تفسیر به رأی را تأکید می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۷۴، ۳۶/۱ و ۳۵)، یوسف القرضاوی، فقیه معاصر، در کتاب «کیف تتعامل مع القرآن العظیم» بر لزوم رعایت اصول و قواعد تفسیر و پرهیز از تحمیل دیدگاه‌های شخصی بر قرآن تأکید می‌کند (القرضاوی، ۲۰۰۰، ۲۴۵-۲۲۱).

- **چالش جمع میان نص و مصلحت:** در بسیاری از مسائل جدید، مفسر با چالش جمع میان ظاهر نص قرآنی و مصلحت عمومی جامعه روبرو می‌شود. این مسئله به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند پزشکی، اقتصاد و روابط بین‌الملل پررنگ‌تر است. طه جابر العلوانی، متفکر عراقی، در کتاب «مقاصد الشریعة» رویکردی را پیشنهاد می‌کند که بر اساس آن باید میان مقاصد کلی شریعت و ظاهر نصوص تعادل برقرار کرد (العلوانی، ۲۰۰۱، ۱۱۲-۸۷).

- **محدودیت‌های روش تفسیر موضوعی:** تفسیر موضوعی یکی از روش‌های مهم در استنباط احکام برای مسائل جدید است. با این حال، این روش نیز با چالش‌هایی روبروست. از جمله اینکه ممکن است برخی آیات مرتبط با موضوع نادیده گرفته شوند یا ارتباط میان آیات به‌درستی برقرار نشود. شهید محمدباقر صدر در کتاب «المدرسة القرآنية» روشی برای تفسیر موضوعی پیشنهاد می‌کند که تلاش دارد این محدودیت‌ها را برطرف سازد (صدر، ۱۹۷۹، ۴۵-۲۳).

- **چالش تعیین حدود اجتهاد:** در مواجهه با مسائل جدید، تعیین حدود اجتهاد و میزان انعطاف‌پذیری در تفسیر آیات، چالشی جدی است. برخی معتقدند که باید با احتیاط بیشتری به اجتهاد در مسائل جدید پرداخت، در حالی که دیگران بر ضرورت اجتهاد پویا تأکید دارند. عبدالله بن بیه، فقیه موریتانی، در کتاب «صناعة الفتوى وفقه الأقليات» رویکردی متعادل را در این زمینه پیشنهاد می‌کند که ضمن حفظ اصول ثابت شریعت، امکان پاسخگویی به نیازهای جدید را فراهم می‌سازد (بن بیه، ۲۰۰۷، ۲۰۳-۱۷۸).

در مجموع، چالش‌های روش‌شناختی در استنباط احکام از قرآن برای مسائل جدید، نیازمند رویکردی جامع، منعطف و در عین حال اصولی است. این رویکرد باید ضمن حفظ اصالت و روح پیام قرآنی، توانایی پاسخگویی به نیازها و پرسش‌های دنیای معاصر را داشته باشد. همچنین، ضروری است که فقها و مفسران معاصر با بهره‌گیری از دانش‌های نوین و درک عمیق از شرایط زمانه، به بازنگری و تکامل روش‌های استنباط بپردازند.

۲/۲. پیامدهای کم‌رنگ شدن مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر

کاهش نقش قرآن در استنباط احکام فقهی برای مسائل جدید، پیامدهای منفی متعددی به دنبال دارد که می‌تواند آثار عمیقی بر جامعه اسلامی و کارآمدی فقه در دنیای معاصر بگذارد. در ادامه، این پیامدها را با جزئیات بیشتری بررسی خواهیم کرد.

۱. **انفصال تدریجی فقه از منبع اصلی آن (قرآن):** ال‌ریسونی، رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، در کتاب «تجدید أصول الفقه» به این مسئله پرداخته و می‌نویسد: «هرچه فاصله میان فقه و قرآن بیشتر شود، پویایی و انعطاف‌پذیری فقه کاهش می‌یابد. قرآن به عنوان کلام الهی، حاوی اصول و مبادی کلی است که قابلیت تطبیق با شرایط مختلف زمانی و مکانی را دارد.» (الریسونی، ۲۰۱۳، ص ۲۱۷-۲۱۵).

پیامدهای این انفصال می‌تواند به این موارد منجر شود: کاهش توانایی فقه در پاسخگویی به نیازهای متغیر جامعه، افزایش گرایش به جمود فکری و تعصب مذهبی و از دست رفتن روح و مقاصد اصلی شریعت در احکام فقهی. به عنوان مثال، در مسئله حقوق زنان، عدم رجوع مستقیم به آیات قرآنی و اکتفا به آرای فقهی گذشته می‌تواند منجر به صدور احکامی شود که با روح عدالت و کرامت انسانی مورد تأکید قرآن در تعارض باشد.

۲. **افزایش اختلافات فقهی:** قرضای در کتاب «الاجتهاد في الشريعة الإسلامية» به این نکته اشاره می‌کند: «عدم رجوع به منبع مشترک و واحد (قرآن) باعث تشدید

جستارهای
فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷
۱۴۰۳

۱۵۴

اختلافات فقهی می شود، در حالی که قرآن می تواند به عنوان مرجع نهایی، نقطه اتصال و وحدت میان مذاهب و دیدگاه های مختلف باشد.»

پیامدهای این افزایش اختلافات عبارت اند از: تفرقه و چنددستگی در جامعه اسلامی، سردرگمی مردم در انتخاب احکام صحیح و تضعیف اعتبار فقه اسلامی در نظر ناظران خارجی. به عنوان مثال، در مسائل مربوط به معاملات مالی جدید مانند ارزهای دیجیتال، عدم رجوع مستقیم به اصول قرآنی در مورد عدالت و منع ربا می تواند منجر به صدور فتاوی متناقض و ایجاد سردرگمی در جامعه شود.

۳. ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای جدید جامعه اسلامی: العوا، متفکر معاصر مصری و دبیرکل اسبق اتحادیه بین المللی علمای مسلمان، در کتاب «الفقه الإسلامی فی طریق التجدید» می نویسد: «کاهش مرجعیت قرآن در استنباط احکام، منجر به کاهش کارآمدی فقه در عصر حاضر می شود. قرآن با ارائه اصول کلی و مقاصد شریعت، این قابلیت را دارد که راهنمای مسلمانان در مواجهه با چالش های جدید باشد» (العوا، ۲۰۱۲م، ۹۸-۱۰۲).

این ناتوانی می تواند منجر به موارد زیر گردد: فاصله گرفتن جوانان و تحصیل کرده ها از فقه اسلامی، رواج سکولاریسم و قانون گذاری غیر اسلامی در جوامع مسلمان و عدم توانایی در ارائه راه حل های اسلامی برای مسائل جهانی مانند بحران های زیست محیطی یا اخلاق در هوش مصنوعی. به عنوان مثال، در مسائل مربوط به پزشکی مدرن مانند پیوند اعضا یا درمان های ژنتیکی، عدم استفاده از اصول قرآنی مرتبط با حفظ حیات و کرامت انسانی می تواند منجر به صدور احکامی شود که با پیشرفت های علمی و نیازهای جامعه در تعارض است.

در نتیجه، می توان گفت که کم رنگ شدن مرجعیت علمی قرآن در فقه معاصر، نه تنها منجر به کاهش پویایی و کارآمدی فقه می شود، بلکه می تواند جایگاه اسلام در جامعه جهانی را تضعیف کرده و ناتوانی در ارائه راه حل های اسلامی برای چالش های معاصر را به دنبال داشته باشد. این مسئله ضرورت توجه جدی علما و اندیشمندان اسلامی را می طلبد تا با احیای جایگاه قرآن در استنباط احکام، فقه اسلامی را به سمت پویایی و کارآمدی بیشتر هدایت کنند.

۳. راهکارهای پیشنهادی برای احیای جایگاه قرآن در استنباط احکام

مسائل جدید

برای احیای نقش محوری قرآن در استنباط احکام فقهی مسائل مستحدثه، به نظر نویسنده این پژوهش، می‌توان راهکارهای زیر را پیشنهاد داد:

۳/۱. استفاده از روش‌های هرمنوتیکی مدرن

با استفاده از روش‌های نوین تفسیر متن، می‌توان لایه‌های عمیق‌تر معنایی آیات را کشف کرد. این امر به‌ویژه در مورد آیات مرتبط با مسائل اجتماعی و سیاسی کاربرد دارد. برای نمونه، روش هرمنوتیک دوسویه که توسط فضل الرحمن مطرح شد، رویکردی نوآورانه در تفسیر متون دینی است. این روش شامل دو مرحله اصلی است: حرکت از زمان حال به گذشته و سپس بازگشت به زمان حال. در مرحله اول، مفسر تلاش می‌کند متن را در بافت تاریخی و اجتماعی زمان نزول درک کند. این شامل بررسی شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن دوره است و هدف آن، فهم معنای اصلی متن و استخراج اصول کلی و اهداف دینی و اخلاقی آن است. مرحله دوم شامل انتقال این اصول به زمان حاضر است. مفسر باید این اصول را با شرایط معاصر تطبیق دهد و راهکارهایی برای اجرای آن‌ها در جامعه امروز ارائه کند. این مرحله نیازمند درک عمیق از شرایط کنونی و چالش‌های جامعه معاصر است. این روش به دنبال ایجاد تعادل بین وفاداری به متن اصلی و پاسخگویی به نیازهای جامعه معاصر است و امکان تفسیر پویا و منعطف از متون دینی را فراهم می‌کند، بدون آنکه از اصول بنیادین آن‌ها فاصله بگیرد. هرچند این رویکرد با چالش‌هایی نیز روبروست، از جمله خطر تفسیر به رأی و دور شدن از معنای اصلی متن؛ بنابراین، مفسر باید دانش عمیقی از علوم قرآنی، تاریخ اسلام و علوم اجتماعی داشته باشد. (رحمان، ۱۹۸۰، ص ۲۳-۱۵).

در مجموع، روش هرمنوتیک دوسویه راهی برای پل زدن میان گذشته و حال در تفسیر متون دینی ارائه می‌دهد و امکان پاسخگویی به مسائل نوظهور را در چارچوب اصول اسلامی فراهم می‌کند. در اینجا، برای نمونه، حکم فقهی مشروعیت بهره‌های بانکی را با استفاده از روش هرمنوتیک دوسویه بررسی می‌کنیم:

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷

۱۴۰۳

۱۵۶

مرحله اول: بررسی متون در بافت تاریخی

از طرفی، مهم‌ترین آیات مرتبط با ربا در قرآن عبارت‌اند از: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيُزْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَزْبُو عِنْدَ اللَّهِ﴾ (مالی که به ربا می‌دهید تا در اموال مردم افزون شود، نزد خدا هیچ افزون نمی‌شود) (روم: ۳۰)؛ ﴿وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ﴾ (و نیز به سبب رباخواری‌شان و حال آنکه از آن منع شده بودند) (نساء: ۱۶۱)؛

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را [با سود] چندین برابر مخورید) (آل عمران: ۱۳۰)؛ ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (آنان که ربا می‌خورند، در قیامت چون کسانی از قبر برمی‌خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده باشند و این به کیفر آن است که گفتند: ربا نیز چون معامله است. درحالی که خدا معامله را حلال و ربا را حرام کرده است) (بقره: ۲۷۵).

و از طرف دیگر، ما می‌دانیم در بافت تاریخی جامعه عربستان پیش از اسلام، ربا به شکل وام‌های استثماری رایج بوده که اغلب منجر به بردگی بدهکاران می‌شد و به تبع آن، این نوع ربا افزایش شکاف طبقاتی و ظلم اقتصادی را در پی داشت (رحمان، ۱۹۸۰م، ۴۰). حال با توجه به آیات و بافت تاریخی، می‌توان این اصول کلی را استخراج کرد (کمالی، ۲۰۰۳م، ۳۰۰-۲۹۸):

۱. منع استثمار اقتصادی.
۲. حفاظت از حقوق افراد ضعیف در جامعه.
۳. ترویج عدالت اقتصادی.
۴. تشویق به تجارت و معاملات منصفانه.

مرحله دوم: انتقال اصول به زمان حاضر

در تحلیل وضعیت اقتصادی عصر حاضر باید گفت که در سیستم بانکی مدرن، بهره بانکی ابزاری برای مدیریت ریسک و تورم است و نرخ بهره همواره توسط نهادهای نظارتی کنترل می‌شود تا نه تنها از افراط و استثمارگری جلوگیری شود، بلکه

به توزیع عادلانه‌تر منابع مالی نیز کمک گردد. در واقع، این سیستم موتور محرکه‌ای است برای رونق تجارت و اقتصاد یک جامعه (جمال، ۲۰۰۶م، ۵۲-۴۹).

مرحله سوم: فهم حکم شرعی

با استفاده از روش هرمنوتیک دوسویه، می‌توان استدلال کرد که بهره بانکی در شکل مدرن و کنترل‌شده خود، مشروط به رعایت موارد زیر می‌تواند با اصول اسلامی سازگار باشد (کوران، ۲۰۰۴م، ۱۰):

- منجر به استثمار و ظلم اقتصادی نشود و سازوکارهایی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در برابر بدهی‌های سنگین وجود داشته باشد.
- در چارچوب قوانین و نظارت‌های دقیق عمل کند تا از سوءاستفاده جلوگیری شود.
- به توزیع عادلانه‌تر منابع مالی و رشد اقتصادی کمک کند.

۲/۳. توجه به مقاصد شریعت و روح کلی آیات

شاطبی - فقیه، محدث و مفسر مذهب مالکی - در کتاب معروف خود «الموافقات» بر اهمیت توجه به مقاصد شریعت تأکید می‌کند و معتقد است که فهم مقاصد شریعت کلید فهم صحیح احکام است و در همین راستا توصیه می‌کند (الشاطبی، ۱۹۹۷م، ۱۲/۲-۶):

- شناسایی مقاصد عام شریعت: مانند حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال. این مقاصد می‌توانند به‌عنوان راهنمای کلی در استنباط احکام مسائل جدید عمل کنند.

- توجه به روح کلی آیات: بجای تمرکز صرف بر ظاهر آیات، باید به پیام اصلی و هدف نهایی آن‌ها توجه کرد. به‌عنوان مثال، در مورد آیات مربوط به معاملات، هدف اصلی تأمین عدالت و جلوگیری از ظلم است.

۳/۳. تقویت ارتباط میان علوم قرآنی و علوم روز و استفاده از رویکردهای

میان‌رشته‌ای در فهم و تفسیر قرآن:

بوکای در کتاب «القرآن الکریم والعلم الحديث» بر اهمیت ارتباط میان علوم قرآنی و علوم جدید تأکید کرده و موارد زیر را پیشنهاد می‌کند (بوکای، ۱۹۹۳م، ۱۵۰-۱۴۵):

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷
۱۴۰۳

۱۵۸

- تشکیل گروه‌های تحقیقاتی مشترک: متشکل از متخصصان علوم قرآنی و دانشمندان رشته‌های مختلف علمی.

- برگزاری همایش‌های میان‌رشته‌ای: برای تبادل نظر میان علمای دینی و دانشمندان رشته‌های مختلف.

- تدوین دانشنامه‌های تخصصی: گردآوری و تحلیل آیات قرآنی مرتبط با هر حوزه علمی. ابو زید نیز در «نقد الخطاب الدینی» بر اهمیت رویکردهای میان‌رشته‌ای تأکید می‌کند و معتقد است که فهم عمیق قرآن نیازمند بهره‌گیری از دستاوردهای علوم مختلف است و در این راستا موارد زیر را توصیه می‌کند (أبو زید، ۲۰۰۴م، ۲۲۵-۲۱۷):

- استفاده از زبان‌شناسی مدرن: برای فهم دقیق‌تر معانی واژگان و ساختارهای زبانی قرآن.

- بهره‌گیری از جامعه‌شناسی: برای درک بهتر زمینه‌های اجتماعی نزول آیات و تطبیق آن‌ها با شرایط امروزی.

- استفاده از روان‌شناسی: برای فهم عمیق‌تر پیام‌های اخلاقی و تربیتی قرآن و کاربرد آن‌ها در زندگی معاصر.

- بهره‌گیری از علوم طبیعی: برای درک بهتر آیات مرتبط با پدیده‌های طبیعی و کشف ارتباط میان قرآن و دانش روز. به عنوان مثال، در بررسی مسائل مربوط به اخلاق زیستی، می‌توان از ترکیبی از علوم زیست‌شناسی، اخلاق، فلسفه و علوم قرآنی استفاده کرد تا به دیدگاهی جامع و منطبق با آموزه‌های قرآنی دست یافت.

در نهایت، تحقق این راهکارها مستلزم همکاری گسترده میان نهادهای علمی، دانشگاهی و حوزوی است. علاوه بر این، ایجاد فضایی آزاد برای بحث و تبادل نظر میان دیدگاه‌های مختلف، ضرورتی انکارناپذیر است تا بتوان به بهترین نتایج در احیای جایگاه قرآن در استنباط احکام مسائل نوپدید دست یافت.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های بهره‌گیری از قرآن در پاسخگویی به مسائل فقهی معاصر انجام شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که موانع متعددی،

از جمله مشکلات هرمنوتیکی و تفسیری، تعارضات ظاهری با یافته‌های علمی نوین، محدودیت‌های زبانی و تاریخی و تفاوت در روش‌های استنباط احکام، کاربرد قرآن در استنباط‌های فقهی معاصر را با چالش‌هایی جدی مواجه ساخته است. تحلیل آسیب‌شناسانه این پژوهش آشکار می‌سازد که تداوم این وضعیت می‌تواند به تضعیف مرجعیت علمی قرآن و در نتیجه، جدایی تدریجی فقه از منبع اصیل خود منجر شود. این امر، علاوه بر تشدید اختلافات فقهی، ممکن است به ناکارآمدی فقه اسلامی در مواجهه با چالش‌های نوظهور در حوزه‌هایی همچون فناوری، پزشکی و محیط زیست بینجامد.

بر این اساس، پژوهش حاضر راهکارهایی نظیر بهره‌گیری از روش‌های نوین تفسیری، تمرکز بر مقاصد و روح حاکم بر متن قرآن و تقویت همکاری‌های بین‌رشته‌ای میان علمای قرآنی و متخصصان حوزه‌های مختلف را پیشنهاد می‌کند. در نهایت، این پژوهش بر ضرورت بازنگری و اصلاح شیوه‌های آموزشی در حوزه تفسیر قرآن و فقه تأکید دارد و خواستار اتخاذ رویکردهای منعطف‌تر به منظور ایجاد تعامل پویاتر میان متن قرآن و مقتضیات عصر حاضر است، به گونه‌ای که ضمن صیانت از ارزش‌های بنیادین، زمینه انطباق با شرایط متحول کنونی فراهم گردد.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۷
۱۴۰۳

۱۶۰

منابع

آخوند خراسانی، محمدکاظم. (۱۴۳۰ق). کفایة الأصول. (تحقیق: زارعی سبزواری)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۹۸۴م). التحریر والتنویر. چاپ اول، تونس: الدار التونسية للنشر.
أبو زید، نصر حامد. (۱۹۹۰م). مفهوم النص: دراسة في علوم القرآن. بيروت: المركز الثقافي العربي.
أبو زید، نصر حامد (۲۰۰۴م). نقد الخطاب الديني. القاهرة: سینا للنشر.

ابوالفضل، خادم. (۲۰۰۱م)، سخن گفتن به نام خدا: قانون اسلامی، اقتدار و زنان. چاپ اول، آکسفورد: انتشارات وانورلد.

ارکون، محمد. (۱۹۹۴). بازاندیشی اسلام: پرسش‌های رایج، پاسخ‌های نامتعارف. چاپ اول، بولدر: وست‌ویو پرس.

- ارکون، محمد. (۲۰۰۲م). **ناندیشیده در تفکر معاصر اسلامی**. چاپ اول، لندن: ساقی بوکس.
- اسپوزیتو. جان. (۲۰۱۰م). **آینده اسلام**. چاپ اول، نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- اسپوزیتو. جان. و مجاهد. دالیا. (۲۰۰۷م). **چه کسی از طرف اسلام سخن می گوید؟ آنچه یک میلیارد مسلمان واقعاً فکر می کنند**. چاپ اول، نیویورک: گالوپ پرس.
- اسد، طلال. (۱۹۸۶م). **ایده انسان شناسی اسلام**. چاپ اول، واشنگتن دی سی: مرکز مطالعات عرب معاصر، دانشگاه جورج تاون.
- ایزوتسو، توشی هیکو. (۱۹۶۴م). **خدا و انسان در قرآن**. چاپ اول، توکیو: مؤسسه مطالعات فرهنگی و زبان شناسی کیو.
- براون، جان اتان ای سی. (۲۰۰۹م). **حدیث: میراث محمد در جهان قرون وسطی و مدرن**. چاپ اول، آکسفورد: انتشارات وان ورلد.
- بن بیه، عبدالله. (۲۰۰۷م). **صناعة الفتوى وفقه الأقليات**. چاپ اول، بیروت: دار المنهاج.
- بوکای، موریس. (۱۹۹۳م). **القرآن والعلم الحديث**، القاهرة: دارالطلائع.
- پالمر، ریچارد ای. (۱۹۶۹). **هرمنوتیک: نظریه تفسیر نزد شلایر ماکر، دیلتای، هایدگر و گادامر**. اوانستون (ایلینوی): انتشارات دانشگاه نورث وسترن.
- پریمی، علی. (۱۳۸۳). **هرمنوتیک و تأثیر آن بر فهم متون دینی**. فصلنامه حوزه و دانشگاه، (۳۹)، ۶۷-۱۰۱.
- الجابری، محمد عابد. (۲۰۰۸م). **فهم القرآن الحكيم: التفسير الواضح حسب ترتيب النزول**. چاپ اول، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية.
- جمال، محمد علی. (۲۰۰۶م). **تأمین مالی اسلامی: قانون، اقتصاد و عمل**. کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- چیتیک، ویلیام. (۱۹۸۹م). **مسیر صوفیانه دانش: متافیزیک تخیل ابن عربی**. چاپ اول، آلبانی: انتشارات دانشگاه ایالتی نیویورک.
- حلاق. وائل. (۱۹۹۷م). **تاریخ نظریه های حقوقی اسلامی: مقدمه ای بر اصول فقه سنی**. چاپ اول، کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲)، **استفتانات**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). **موسوعة الامام الخویی**. قم: موسسه احیاء آثار الامام خویی.
- رحمان، فضل. (۱۹۸۰م). **مضامین اصلی قرآن**. چاپ اول، مینیاپولیس: بیلبوتکا اسلامیکا.

رحمان، فضل. (۱۹۸۲م). اسلام و مدرنیته: تحول یک سنت فکری. چاپ اول، شیکاگو: انتشارات دانشگاه شیکاگو.

رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۷). قرآن و چالش‌های فقهی عصر حاضر. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

رمضان، طارق. (۲۰۰۸م). اصلاح بنیادین: اخلاق اسلامی و رهایی. نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

الریسونی، احمد. (۲۰۱۳م). الاجتهاد: النص، الواقع، المصلحة. بیروت: دار ابن حزم. ریکور، پل. (۱۹۷۶م). نظریه تفسیر: گفتمان و مازاد معنا. چاپ اول، فورت ورت: انتشارات دانشگاه مسیحی تگزاس.

زرکشی، بدرالدین. (۱۹۷۵م). البرهان فی علوم القرآن. چاپ اول، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه. ساجدینا، عبدالعزیز. (۲۰۰۹م). اخلاق زیست پزشکی اسلامی: اصول و کاربرد. چاپ اول، آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

سعید، عبدالله. (۲۰۰۶م). تفسیر قرآن: به سوی رویکردی معاصر. چاپ اول، لندن: راتلج. الشاطبی، ابراهیم. (۱۹۹۷م). الموافقات. (تحقیق: مشهور بن حسن آل سلمان). الخبر - السعودية: دار ابن عفان.

شلایر ماخر، فریدریش. (۱۹۹۸م). هرمنوتیک و نقد: و دیگر نوشته‌ها. چاپ اول، کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.

شمس الدین، محمد مهدی. (۱۹۹۵م). أهلیة المرأة لتولی السلطة. چاپ اول، بیروت: المؤسسة الدولية للدراسات والنشر.

صدر، محمد باقر. (۱۹۷۹م). المدرسة القرآنیة. بیروت: دار التعارف للمطبوعات. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تهران: مرتضوی.

العلوانی، طه جابر. (۲۰۰۱م). مقاصد الشریعة. بیروت: دار الهادی.

علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). فقه و عرف. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

العوا، محمد سلیم. (۲۰۱۲م). الفقه الإسلامی فی طریق التجدید. بیروت: المكتب الإسلامی.

غزالی، محمد. (۱۹۹۳م). المستصفی. (تحقیق: محمد عبد السلام عبد الشافی)، بیروت: دار الکتب العلمیة.

- الغزالی، محمد. (۲۰۰۵م). **كيف نتعامل مع القرآن؟** چاپ اول، قاهره: نهضة مصر.
- فضل الله، سيد محمد حسين. (۱۴۲۶ق). **أهلية المرأة لتولي السلطة**. چاپ اول، بيروت: المؤسسة الدولية للدراسات والنشر.
- فيض كاشاني، محمد. (۱۳۷۴). **تفسير الصافي**. چاپ اول، تهران: مكتبة الصدر.
- القرضاوى، يوسف. (۱۹۹۶م). **الاجتهاد في الشريعة الإسلامية**. كويت: دار القلم.
- القرضاوى، يوسف. (۲۰۰۰م). **كيف نتعامل مع القرآن العظيم**. چاپ اول، قاهره: دار الشروق.
- كمالي، محمد هاشم. (۲۰۰۳م). **اصول فقه اسلامی**. چاپ اول، كمبريج: انتشارات متون اسلامي.
- كوران، تيمور. (۲۰۰۴م). **اسلام و ثروت: تنگناهای اقتصادی اسلام گرایي**. پرینستون: انتشارات دانشگاه پرینستون.
- گادامر، هانس-گئورگ. (۲۰۰۴م). **حقیقت و روش**. چاپ اول، لندن: کانتینیوم.
- محقق داماد، سيد محمد. (۱۳۹۸). **فقه پویا در عصر دیجیتال**. تهران: نشر علوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). **آشنایی با قرآن**. تهران: انتشارات صدرا.
- موسی. ابراهیم. (۲۰۰۳م). **بدهی‌ها و بارهای اسلام انتقادی در مسلمانان مترقی: درباره عدالت، جنسیت و کثرت گرایی**. آکسفورد: انتشارات وانورلد.
- میرحسینی، زیبا. (۱۹۹۹م). **اسلام و جنسیت: مناظره مذهبی در ایران معاصر**. چاپ اول، پرینستون: انتشارات دانشگاه پرینستون.
- نصر، سيد حسين. ۲۰۰۶م. **اسلام و علم**. چاپ اول، آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- وایس، برنارد جی. (۱۹۹۸). **روح قانون اسلامی**. چاپ اول، آتن: انتشارات دانشگاه جورجیا.
- ودود. آمنه. (۱۹۹۹م). **قرآن وزن: بازخوانی متن مقدس از دیدگاه یک زن**. چاپ اول، نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- ویتگنشتاین، لودویگ. (۱۹۵۸م). **پژوهش‌های فلسفی**. چاپ اول، آکسفورد: بازیل بلکول.

References

The Holy Qur'an.

Ibn 'Āshūr, Muḥammad Ṭāhir ibn Muḥammad. *al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*. Tunisia: al-Dār al-Tūnisīyat lil Nashr.

Abū Zayd, Naṣr Ḥāmid. 1990. *Maḥmūd al-Naṣ: Dirāsāt fī 'Ulūm al-Qur'ān*. Beirut: al-Markaz al-Thiqāfī al-'Arabī.

Abū Zayd, Naṣr Ḥāmid. 2004. *Naqḍ al-Khiṭāb al-Dīnī*. Beirut: al-Markaz al-Thiqāfī al-'Arabī.

Abulfaḍl Khādim. 2001. *Sukhan Guftan bih Nām-i Khudā: Qānūn-i Islāmī, Iqtidār wa Zanān*. Oxford: Oneworld Publications.

al-Khurāsānī, Muḥammad Kāzim (al-Ākhund al-Khurāsānī). 2009/1430. *Kifāyat al-Ūṣūl*. Edited by ‘Abbās ‘Alī al-Zārī‘ī al-Sabziwārī. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.

Arkoun, Muḥammad. 1994. *Rethinking Islam: Common Questions, Uncommon Answers*. Boulder: West View Press.

Arkoun, Muḥammad. 2002. *The Unthought In Contemporary Islamic Thought*. London: Saqi Books.

Esposito, John. 2010. *The Future of Islam*. New York: Oxford University Press.

Esposito, John; Mogahed, Dalia. 2007. *Who Speaks for Islam? What a Billion Muslims Really Think*. New York: Gallup Press

Asad, Talal. 1986. *The Idea of an Anthropology of Islam*. Washington, D.C: Georgetown University-Center for Contemporary Arab Studies.

Izutsu, Toshihiko. 1964. *God and Man in the Qur’an*. Tokyo: Islamic Book Trust.

Brown, Jonathan A. C. 2009. *Hadith: Muhammad’s Legacy in the Medieval and Modern World*. Oxford: Oneworld Publications.

Bin Bayyah, ‘Abdullāh. 2007. *Ṣanā‘at al-Fatwā Wafquhū al-Aqaliyāt*. Beirut: Dār al-Minhāj.

Bucaille, Maurice. 1993. *Al-Qur’ān wa al-‘Ilm al-Ḥadīth*. Cairo: Dār al-Ṭalā‘ī’.

Palmer, Richard. 1969. *Hermeneutics: interpretation theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger, and Gadamer*. Evanston: Northwestern University Press.

Parīmī, ‘Alī. 2004/1383. *Hirmunitīc wa Ta’tḥūr Ān bar Fahm-i Mutuūn-i Dīnī*. Faṣl-nāmih-yi Ḥawzih wa Dānishgāh, (39), 67-101.

Al-Jābirī, Muḥammad ‘Ābid. 2008. *Fahm al-Qur’ān al-Ḥakīm: al-Taḥsīn al-Wāḍiḥ Ḥasb Tartīb al-Nuzūl*. Beirut: Markaz Dirāsāt al-Waḥdat al-‘Arabīyah.

Jamāl, Muḥammad ‘Alī. 2006. *Ta’mīn-i Mālī-yi Islāmī: Qānūn, Iqtisād wa ‘Amal*. Cambridge: Cambridge University Press

Chittick, William. 1989. *The Sufi Path of Knowledge: Ibn al-‘Arabi’s Metaphysics of Imagination*. Albany: State University of New York Press.

Hallaq, Wael. 1997. *A History of Islamic Legal Theories: An Introduction to Sunni Usul al-Fiqh*. Cambridge: Cambridge University Press.

al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2003/1392. *Is-tiḥṣāt*. Tehran: Mu’assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.

al-Mūsawī al-Khu‘ī, al-Ṣayyid Abū al-Qāsim. 1997/1418. *Mawsū‘at al-Imām al-Khu‘ī*. Qom: Mu’assasat Ihya’ Āthār al-Imām al-Khu‘ī.

- Raḥmān, Faḍl. 1980. *Major Themes of the Qur'an*. Chicago: University of Chicago Press.
- Raḥmān, Faḍl. 1982. *Islam and modernity transformation of an intellectual tradition*. Chicago: University of Chicago Press.
- Riḍāyī, Iṣfahānī, Muḥammad 'Alī. 2018/1397. *Qur'an wa Chālīsh-hāyi Fiqhī-yi 'Aṣr-i Hāḍir*. Qom: Pazhūhishgāh-i 'Ulūm wa Farhang-i Islāmī.
- Ramadan Tariq. 2008. *Radical Reform: Islamic Ethics and Liberation*. New York: Oxford University Press.
- Al-Rīsūnī, Aḥmad. 2013. *Al-Ijtihād; al-Naṣ, al-Wāqī', al-Maṣlahat*. Beirut: Dār ibn Ḥazm.
- Al-Zarkashī al-Miṣrī al-Ḥanbalī, Shams al-Dīn Muḥammad ibn 'Abdullāh. 1975. *Al-Burhān fī 'Ulūm al-Qur'ān*. Beirut: Dār 'Iḥyā al-Kutub al-'Arabīyah.
- Sachedina, Abdulaziz. 2009. *Islamic Biomedical Ethics*. Oxford: Oxford University Press.
- Saeed, Abdullah. 2006. *Interpreting the Qur'an: Towards a Contemporary Approach*. London: Routledge.
- Al-Shāṭibī, Ibrāhīm. 1997. *Al-Muwāfiqāt*. Edited by Mashhūr ibn Ḥassan Āl Salmān. Saudi: Dār ibn 'Affān.
- Schleiermacher, Friedrich. 1998. *Hermeneutik und Kritik mit besonderer Beziehung auf das Neue Testament*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shams al-Dīn, Muḥammad Mahdī. 1995. *Ahlīyat al-Mar'at li Tawālī al-Sulṭah*. Beirut: al-Mu'asissat al-Duwalīyat lil Dirāsāt wa al-Nashr.
- al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. 1979. *Al-Madrisat al-Qur'ānīyat*. Beirut: Dār al-Ta'aruf lil Maṭbū'āt.
- al-Ṭabāṭabā'ī, al-Sayyid Muḥammad Ḥusayn (al-'Allāma al-Ṭabāṭabā'ī). 1995/1374. *al-Mīzān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. 5th. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mu-darrisīn.
- al-Ṭurayhī, Fakhr al-Dīn. 1995/1375. *Majma' al-Baḥrayn*. 3rd. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyya li Iḥyā' al-Āthār al-Ja'farīyya.
- Al-'Alwānī, Ṭāhā Jābir. 2001. *Maqāṣid al-Sharī'at*. Beirut: Dār al-Hādī.
- 'Alīdūst, Abulqāsim. 2017/1396. *Fiqh wa 'Urf*. Tehran: Pazhūhishgāh-i Farhang wa Andīshih-yi Islāmī.
- Al'awā, Muḥammad Salīm. 2012. *Al-Fiqh al-Islāmī fī Ṭarīq al-Tajdīd*. Beirut: al-Maktabat al-Islāmī.
- Al-Ghazālī, Abū Ḥāmid Muḥammad. 1993. *Al-Mustasfā fī 'Ilm al-Uṣūl*. Beirut: Dār al-Maktab al-'Ilmīyah.
- Al-Ghazālī, Abū Ḥāmid Muḥammad. 2005. *Kayfa Nata'āmul ma'a al-Qur'ān*. Cairo: Nahḍat Miṣr.

- Faḍlullāh, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 2005/1426. *Ahlīyat al-Mar'at li Tawālī al-Sulṭah*. Beirut: al-Mu'sissat al-Duwalīyat lil Dirāsāt wa al-Nashr.
- al-Fayḍ al-Kāshānī, Muḥammad Muḥsin. 1995/1374. *Tafsīr al-Ṣāfi*. Tehran: Maktabat al-Ṣadr.
- al-Qarḍāwī, Yūsuf. 1996. *Al-Ijtihād fī al-Sharī'at al-Islāmīyat*. Kuwait: Dār al-Qalam.
- al-Qarḍāwī, Yūsuf. 2000. *Kayfa Nata'āmul ma'a al-Qur'ān al-'Aẓīm*. Cairo: Dār al-Shurūq.
- Kamālī, Muḥammad Hāshim. 2003. *Principles of Islamic Jurisprudence*. Cambridge: Islamic Texts Society.
- Kuran, Timur. 2004. *Islam and Mammon: The Economic Predicaments of Islamism*. Princeton: Princeton University Press.
- Gadamer, Hans-Georg. 2004. *Truth and Method*. London: Continuum Intl Pub Group.
- Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muḥammad. 2019/1389. *Fiqh-i Pūyā dar 'Aṣr-i Jadīd-i Dī-jītāl*. Tehran: Nashr-i 'Ulūm-i Islāmī.
- Muṭahharī, Murtaḍā. 2006/1385. *Āshnāyī bā Qur'ān*. Tehran: Intishārāt Ṣadrā.
- Moosa, Ebrahim. 2003. *The debts and burdens of critical Islam*. Oxford: Oneworld Publications.
- Mir-Hosseini. Ziba. 1999. *Islam and Gender: The Religious Debate in Contemporary Iran*. Princeton: Princeton University Press.
- Nasr, Seyyed Hussein. 2006. *Islam and Science*. Oxford: Oxford University Press.
- Weiss, Bernard G. 1998. *The Spirit of Islamic Law*. Athens, Georgia: University of Georgia Press.
- Wadud, Amina. 1999. *Qur'an and woman rereading the sacred text from a woman's perspective*. New York: Oxford University Press.
- Wittgenstein, Ludwig. 1958. *Philosophical Investigations*. Oxford: basil Blackwell.